

فلک نازنامه

محسن ذاکر الحسینی

تسکین شیرازی، یعقوب بن مسعود (?)، *فلک نازنامه*، به کوشش سیدعلی آل داوود، انتشارات توس (گنجینه متون داستانی ۲)، تهران ۱۳۸۲، ۴۰۷ (۳۵۳+۵۴) صفحه. فلک نازنامه شرح سفرها و ماجراهای فلک ناز، شاهزاده یهودی تبار مصری است. از این مثنوی با نامهای فلک ناز، داستان فلک ناز، خورشیدآفرین، فلک ناز و خورشیدآفرین، سرو و گل، خورشیدآفرین و گل، فلک ناز و خورشیدآفرین و سرو و گل طنّاز، و خورشیدآفرین و فلک ناز و سرو و گل طنّاز یاد شده است. این داستان دلکش عاشقانه، زمانی، در مکتبخانه‌ها خوانده می‌شده است. و از آن چند روایت منثور و منظوم موجود است. از آن میان، روایت منظوم سروده تسکین شیرازی -ظاهراً در پرتو زبان گفتاری و شیوه مقبول داستان‌سرایی آن- بیشتر شهرت یافته و چندین بار در هند و ایران به چاپ رسیده است.

تسکین شاعری عرب‌تبار بوده که پدر و مادرش در بحرین سکونت داشته‌اند و او به شیراز مهاجرت کرده و در آن شهر اقامت گزیده است. وی، در عصر کریم‌خان زند می‌زیسته، و فلک نازنامه را به تشویق میرزا اشرف، از بزرگان شیراز، به رشته نظمی سست درآورده است. میرزا اشرف، پیش از تسکین، شاعری به نام «ضیایی» را مأمور نظم این داستان کرده بود، اما ضیایی این کار را به پایان نبرد.

فلک نازنامه، به تقلید از خسرو و شیرین نظامی، در بحر هزج مسدّس مقصور (یا محذوف) سروده و مأخذ آن چندبار با عنوان سرو و گل معرفی شده است، از جمله در این بیت:

به هر منظوم و مثنوی رسیدم کتابی به ز سرو و گل ندیدم
(ص ۶۵)

درباره تاریخ نظم کتاب، در دیباچه ناظم آمده است:

اگر خواهی که تاریخش بدانی بگویم آشکارا تا تمامی
گذشت از هجرت پیغمبر و آل هزار و یکصد و هشتاد و نه سال
(ص ۶۶-۶۷)

و در مؤخره منظومه آمده است:

در ایامی که می‌رفتم به مکتب زدم این نظم را شش‌ماه در شب
(ص ۴۰۷)

مصحح، شش ماه مدت نظم را، با توجه به سال وفات میرزا شرف و سال سرودن فلک‌نازنامه (۱۱۸۹ یعنی چندسال پیش از وفات شاعر) درست نمی‌داند. اما ممکن است تاریخ نظم کتاب (۱۱۸۹) درست نباشد؛ زیرا، مطابق پانوشت مصحح (ص ۶۷)، بیت تاریخ، در بعضی از نسخه‌ها، «هزار و یکصد و هشتاد و دو» (۱۱۸۲) ضبط شده است. مصحح، از این داستان، دو روایت منظوم دیگر معرفی کرده است: یکی روایتی، با ارزش ادبی فراتر از منظومه تسکین، که پس از آن سروده شده و نسخه خطی آن به شماره ۱۳۴۰۷، تقریباً شامل ۱۳۸۰ بیت، کتابت قرن ۱۳، در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است. دیگری روایتی که نسخه خطی آن به شماره ۵۳۹۴، تقریباً شامل ۳۵۰۰ بیت، به خط نستعلیق، مورخ ۱۲۳۴، در کتابخانه ملی ملک موجود است. این دو روایت، از لحاظ وزن، مضمون، ویژگیهای سبکی، سستی نظم، خطاهای وزن و قافیه، تعبیرات و ترکیبات، و حتی اشتراک بعضی ابیات و مصراعها، با منظومه تسکین هم‌رتبه‌اند و به آن شباهت دارند. از این رو، محتمل است که این هر سه روایاتی از منظومه یک شاعر باشند.

فلک‌نازنامه را، نخست غ. محتشم و سپس اقبال یغمایی به نثر برگردانده است که اولی در ۱۳۴۸ش و دومی در ضمن مجموعه داستانهای پهلوانی و عیاری ادبیات فارسی به چاپ رسیده است.

این تصحیح از فلک‌نازنامه تسکین، براساس نسخه ناقص و تاحدی آشفته شماره ۷۷۷۹ کتابخانه مجلس (کتابت قرن ۱۳)، و مقابله با نسخه شماره ۵۱۷۸ (فیلم شماره ۱۳۳۸، عکس شماره ۳۸۶۸-۳۸۷۰) دانشگاه تهران (کتابت نزدیک به روزگار سراینده) و دست‌نویس مغلوط شماره ۷۰۳۲ کتابخانه مجلس (کتابت قرن ۱۳) به شیوه التقاطی و گاه قیاسی فراهم شده و، در مقدمه مصحح، از شش نسخه خطی دیگر نیز یاد شده است.

کتاب با یادداشت ایرج افشار، مقدمه مصحح، و تصویر برگهایی از نسخه‌های خطی و چاپی منظومه آغاز شده و پس از آن متن اثر آمده است. در آن، اشتباهاتی دیده می‌شود که بعضی از نوع مطبعی، بعضی از نوع بدخوانی، بعضی مربوط به بی‌مبالاتی سراینده، و بعضی مربوط به انتقال ضبط نسخه خطی است. متأسفانه شیوه کار مصحح غالباً تشخیص و تفکیک این انواع را میسر نمی‌سازد. اینک تذکر بعضی از خطاها:

□ بخواند هر که این خوش‌داستان را فره‌بخشی دهد پیر و جوان را
(ص ۱۳، سطر ۱۷)

که ضبط فرح‌بخشی صحیح است. این خطا در صفحه ۶۵ تکرار شده است.
□ بعضی از ارجاعات مقدمه با شماره صفحات این چاپ مطابقت ندارد. به نظر می‌رسد که مصحح شماره صفحات چاپ دیگری از کتاب را آورده، اما متذکر آن نشده است.

□ شه چین را به عالم نامزد بود به نزد دادبه شه معتمد بود
چو شد داخل به ماچین آن شه چین به عقد خود درآورد آن نگارین
(ص ۱۶، سطر ۲۴ و ۲۵)

که شه چین (به اقتضای ملفوظ بودن «ها»ی شه) صحیح است.

□ عروس‌الملک او را نیز نام است که تاریخ شهنشاهان تمام است
شما را این سخن گر نیست باور عروس‌الملک را خوانند یکسر
(ص ۱۷، سطر ۱۱ و ۱۲)

که خوانید (به اقتضای معنی و سیاق عبارت) صحیح است.

□ نبودم یک زمان از غصه آزاد که بر پروردگان می‌دادم ارشاد
چو گشتم از رفیقان دل‌پریشان بریدم مهر و پیوستم به ایشان
(ص ۲۳، سطر ۱۰)

که گشتم (به اقتضای سیاق عبارت) صحیح است.

□ به گُل بردند پس دل‌ها به حسرت دمد از خاکشان گُل‌های حسرت
بیاد تسکین که تا داری حیاتی که عمر رفته را نبود ثباتی
(ص ۲۵، سطر ۱۶ و ۱۷)

که گُل‌ها به حسرت (به اقتضای قافیه) و بیا (به اقتضای وزن و معنی) صحیح است.

□ به صاحب‌همّتی اندر جهان تاق به مردی او بود مشهور آفاق
(ص ۲۶، سطر ۱)

که طاق صحیح است. این اشتباه عیناً در صفحه ۶۳ تکرار شده است.

□ دعای شاه عالم شد اجابت ز لطفِ خویش کردش عنایت
(ص ۲۸، سطر ۲۵)

که خویشتن کردش یا خویش کردش این (به اقتضای وزن) صحیح است.

□ قمر را ماه‌روی خرگهی داد به طفلی ... سر خندگی داد
شفق را سرخی اندر راز بنهاد چمن را روضه سرو سهی داد
(ص ۳۱، سطر ۱۵ و ۱۶)

مصراعهای دو بیت جابه‌جا شده و صورت صحیح چنین است:

□ قمر را روی ماه خرگهی داد چمن را روضه سرو سهی داد
شفق را سرخی اندر راز بنهاد به طفلی ... سر خندگی داد
شبی در کنج خلوت خفته بودم ز وسواس جهان آزاده بودم
(ص ۳۲، سطر ۷)

که قافیه ندارد و ظاهراً غفلت از سراینده است.

□ چرا درین زمان پژمرده باشی چو خاکستر چنین افسرده باشی
(ص ۳۲، سطر ۹)

که در این (به اقتضای وزن) صحیح است.

□ عجب دیدم از آن شیرین کلامش که نبود از قضا این در ایامش
(ص ۳۲، سطر ۲۰)

که ایامش (بدون تشدید به اقتضای وزن) صحیح است.

□ درین منظومه آنچه از بنده ضبط است هزار و سیصد و هشتاد بیت است
(ص ۳۳، سطر ۸)

آنچ (به اقتضای وزن) صحیح است. قافیه ندارد و غفلت سراینده است.

□